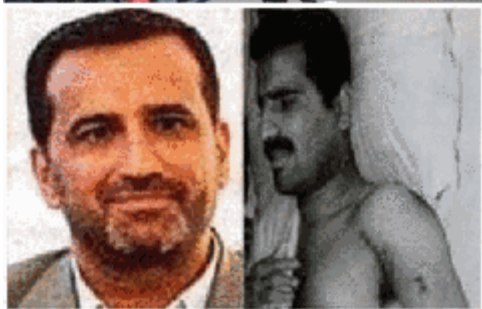


بهروز سورن: در اعماق چه می گذرد؟ - بخش دوم



مناسبات سیاسی و اقتصادی کنونی میان جمهوری اسلامی با دولت های دیگر بشکلی است که پیش از انعقاد قرار دادهای کلان شروطی نیز مطرح و درخواست می کند. از جمله این شروط فشار به اپوزیسیون در آن مکان، اخذ اطلاعات پلیس محلی از مخالفان و همچنین ایجاد سهولت در استخدام نزدیکان سفارت و عوامل رژیم در نهادهای مختلف رسمی در آن کشور و است و به تعبیری سهمیه می طلبند. خوش بینی ساده لوحانه است چنانچه تصور کنیم که اطلاعات مربوط به پناهندگان سیاسی در این کشور نزد وزارت داخله آن محرمانه مانده است. هم از اینرو ایرانیان ساکن و مرتبط اطلاعاتی با پلیس اتریش که به جمع آوری اطلاعات و انتقال آن مشغولند و (خیر) آنرا می برند، غیر مستقیم در خدمت اطلاعات و سفارت جمهوری اسلامی هستند.

طبقه بندی اولیه جاسوسان بطور کلی به دو شکل بوده است. یک دسته که فرستاده میشوند تا در یک نهاد، ارگان یا سازمان و محفل دیگر نفوذ کنند، اطلاعات جذب کنند، عملیات جنایی بانجام رسانند و ... تیره دیگر افرادی که در آن نهاد یا ارگان و سازمان و محفل حضور رسمی دارند و بهمین دلیل میتوانند به اطلاعات بسیاری دست یابند و آنرا انتقال دهند.

واقعه ترور قاسملو در قلب شهر وین و رفتار پلیس و سرویس اطلاعاتی اتریش در آن مرحله زمانی نشاندهنده جایگاه این کشور در برابر حقوق بشر و قراردادهای و تعهدات بین المللی در قبال معاهده های پناهندگی است. اتریش یکی از کشورهای است که ارتباطات مالی و اقتصادی بزرگی با جمهوری اسلامی داشته است. سفر خاتمی و انعقاد قراردادهای میلیاردی که در زمان ریاست جمهوری اش به این کشور صورت گرفت از جمله این مناسبات است.

مناسبات سیاسی و اقتصادی کنونی میان جمهوری اسلامی با دولت های دیگر بشکلی است که پیش از انعقاد قرار دادهای کلان شروطی نیز مطرح و درخواست می کند. از جمله این شروط فشار به اپوزیسیون در آن مکان، اخذ اطلاعات پلیس محلی از مخالفان و همچنین ایجاد سهولت در استخدام نزدیکان سفارت و عوامل رژیم در نهادهای مختلف رسمی در آن کشور و ... است و به تعبیری سهمیه می طلبند. خوش بینی ساده لوحانه است چنانچه تصور کنیم که اطلاعات مربوط به پناهندگان سیاسی در این کشور نزد وزارت داخله آن محرمانه مانده است. هم از اینرو ایرانیان ساکن و مرتبط اطلاعاتی با پلیس اتریش که به جمع آوری اطلاعات و انتقال آن مشغولند و (خیر) آنرا می برند، غیر مستقیم در خدمت اطلاعات و سفارت جمهوری اسلامی هستند.

برای دول مربوطه چرخش اقتصادی کشورشان و حفظ تعادل خود بعنوان حکومتگر و بقای مناسبات حاکم موجود مهمترین موضوع حیاتی است و براحتی به آن شروط تن میدهند. همکاری دولت اتریش در این زمینه با جمهوری اسلامی نمونه است. همگان بیاد دارند که در تا ریخ سیزدهم جولای سال 1989 عبدالرحمن قاسملو به همراه عبدالله قادری و فاضل رسول در شهر وین ترور شدند.

عکس:

تروریست ها مزدوران جمهوری اسلامی بودند که در پوشش دیپلمات و بظاهر برای رایزنی با او (حزب دمکرات کردستان) جهت یافتن راه حلی مسالمت آمیز برای کردستان آمده بودند. این جلسه سومین نشست قاسملو با نمایندگان جمهوری اسلامی بوده گفته شده است که تیم رایزنی و تیم ترور تفاوت داشته اند اما اظهارال من الشمس است که همه آنها مزدور رژیم و عوامل ترور بوده اند. بخشی از آنها پس از انجام این جنایت به سفارت رژیم در این شهر که در نزدیکی محل ترور نیز هست رفته و توسط این سفارت به ایران پرواز می کنند.

عبدالرحمن قاسملو

پتر پیلز نماینده حزب سبز ها در پارلمان اتریش پس از 25 سال گزارشی به جراید و پارلمان این کشور ارائه داد و همچنین یادآور شد که یکی از این تروریست ها با اسکورت و حمایت پلیس این کشور تا فرودگاه شهر وین بدرقه شده است. او محمود احمدی نژاد (مشاور استاندار کردستان)

رامسنول احتمالی این ترور معرفی میکند که مدت کوتاهی پیش از آن در محل سفارت جمهوری اسلامی در شهر وین با تعدادی از مزدوران سفارت جلسه ای برگزار کرده است.

جهت پیشبرد این جنایت هولناک در قلب شهر وین، سفارت جمهوری اسلامی دولت اتریش را تهدید میکند که چنانچه عوامل ترور (دیپلمات ها) در اتریش در مقابل دادگاه قرار گیرند برای اتریشی های ساکن ایران میتواند خطرناک باشد. از این تهدید وزارت امور خارجه کشور اتریش و توماس کلسنیل که بعد ها رئیس جمهور این کشور شد، آگاهی کامل داشته اند و یکی از آنها اریش ماکسیمیلیان اشمید در گفتگویی تلویزیونی که حدود دو سال بعد پس از بازنشستگی اش صورت گرفت به این موضوع اقرار کرده است.

بعد ها نیز علنی شد که پیگردعاملین این جنایت متوقف میشود. همچنین قرار گذاشته شده بود که روز قبل از ترور مراقبت و کنترل سفارت جمهوری اسلامی از سوی نیروی انتظامی و اطلاعاتی اتریش باید کم شود. تهدید دیگری که سفارت جمهوری اسلامی به آن اقدام کرد افشای نقش کشور اتریش در جنگ هشت ساله بود که علیرغم اظهار بیطرفی اما به هر دو سوی این جنگ خاتمانسوز تسلیحات می فروخته است نکته ای که برخی از قراردادهای بین المللی این کشور را میتوانست مورد سوال قرار دهد.

پتر پیلز

بخشی از دومین نامه ی سردار اخراجی سپاه به محمد نوریزاد

صحرا رودی یا همان محمد جوادی به محض ورود به اتریش با برخورداری از حکم ویژه از علی اکبر ولایتی کوشید تا ملاقات با قاسملو را به شکل انفرادی در ویلایی در حومه وین شکل دهد اما قاسملو این پیشنهاد را نپذیرفت و مکان ملاقات را در آپارتمان دفترکار خود و با حضور دستیارانش تعیین کرد. با این پیشنهاد طرح ترور ریخته شد. وی به همراه نفر دوم با نام بزرگیان و نفر سوم با نام شاه مهری در بعد از ظهر ۲۳ تیر ۶۸ (۱۳ ژوئیه ۱۹۸۹) با خودرو تشریفات سفارت و لباس فرم وزارت خارجه وارد دفتر قاسملو شدند. راننده پس از ورود آنان با خودرو به سفارت بازگشت. این در حالی بود که هر سه دیپلمات یک کلت ۷/۶۵ میلیمتری را ماهرانه در گودی ستون فقرات خود جا سازی کرده بودند. صحرا رودی خواستار آن بود تا گفتگو با قاسملو توسط خود و همکارانش خصوصی و بدون حضور همکاران قاسملو باشد.

وی به قاسملو می گوید حامل دیدگاههایی طبقه بندی شده است روی صحبت خصوصی و دونفره اصرار می ورزد. در نهایت قاسملو می پذیرد تا صرفا با صحرا رودی در اتاق دیگری ملاقات خصوصی داشته باشد دو دیپلمات در کنار دستیاران قاسملو منتظر بمانند. مستقیم از خود جوادی شنیدم که گفت: "هر دو به اتاق دیگری رفتیم. گفتگوها کوتاه بود. کار را به جاهای باریک کشاندم. جوری که صحبت کوتاه ما به سرعت به مشاجره لفظی کشیده شد. من (صحرا رودی) بلافاصله دست به کمر بردم و کلت را بیرون کشیدم و شلیک کردم. بدبختانه گلوله ام کار او را ساخت و به مغز او خورد. زخمی اش کرد و به زمینش انداخت. هول شدم. گلوله های بعدی را نتوانستم درست شلیک کنم. قاسملو هم کلت داشت. حالا نوبت او بود که اولین و دومین گلوله را به زیر بغل و ناحیه گردن من شلیک کند. بالاخره یکی از گلوله های من به مغز قاسملو خورد و کارش را ساخت." همزمان در سالن انتظار دو دیپلمات ایرانی نیز در اقدامی مشابه به سوی دستیاران قاسملو شلیک می کنند.

در این درگیری "شاه مهری" هم گلوله می خورد و دستیاران قاسملو نیز غرق خون به زمین می افتند. "بزرگیان" وحشت زده وارد اتاق قاسملو می شود و می بیند قاسملو و صحرارودی هر دو کشته شده اند. دست شاه مهری را می گیرد و از آپارتمان خارج می شود. هنوز چند صد متری از محل نگرینخته اند که صدای آژیر پلیس به گوش می رسد. بزرگیان، دست شاه مهری را رها می کند و خود را به خانه امن می رساند. اما روایت دیگری می گوید: همزمان با مشاجره لفظی میان صحرارودی و قاسملو، که خودش یکجور سیگنال برای شروع درگیری بوده، بزرگیان و شاه مهری ابتدا دستیاران قاسملو را ترور می کنند. شاه مهری با گلوله قاسملو مجروح می شود و صحرارودی قاسملو را ترور می کند و بزرگیان با دستپاچگی و به اشتباه ه صحرارودی را هدف قرار می دهد و به همراه شاه مهری با هراس و عجله آپارتمان را ترک می کند.

وابسته اطلاعاتی ایران در سفارت درحالی که عادی جلوه می داده با رعایت سکوت رادیویی، مضطربانه از طریق واسطه ها پیگیر عملیات بوده اما اولین خبرها حکایت از کشته شدن صحرارودی و مفقود شدن شاه مهری می داده اند. گزارش واقعه عصر آن روز با کد رمز به دست منوچهر متکی می رسد. ساعاتی بعد یکی از شبکه های تلویزیونی اتریش خبر و گزارشی از تیراندازی و ترور در آپارتمان قاسملو را که توسط همسایگان به اطلاع پلیس رسیده بود را پخش می کند که در آن گزارش، تصویری از صحرارودی بی هوش در بیمارستانهای اتریش نیز دیده می شود.

اتاق فکر در ایران قبل از هر واکنشی، خبری را از سوی وزارت خارجه در اخبار شب شبکه یک ایران با این فحوا که مذاکرات مهمی فیما بین دیپلماتهای ایرانی و عبدالرحمن قاسملو با هدف حل و فصل اختلافات در جریان بوده است که سازمان مجاهدین (منافقین) که از این توافق ناخشنود بوده اند با حمله مسلحانه به دفتر قاسملو وی و همکاران و دیپلماتهای ایرانی را ترور کرده اند و وزارت خارجه حفظ جان دیپلماتهای خود را از دولت اتریش می خواهد. در همان ساعات اولیه شاه مهری مجروح نیز توسط پلیس اتریش بازداشت و هویت دیپلماتیکش بر ملا می شود. فرادای آن روز هیاتی از وزارت خارجه ایران راهی اتریش می شود و علاوه بر پیگیری وضعیت دیپلماتهای مجروح ایرانی، با کورت و الدهایم صدراعظم وقت اتریش ملاقات و خواستار انتقال سریع دیپلماتهای مجروح برای مداوا به تهران می شود.

یازده روز بعد صحرارودی و شاه مهری با برانکارد از بیمارستان به هواپیمای ایران ایر منتقل و به ایران بازگشته و در اتاقی اختصاصی در بیمارستان بقیه الله سپاه بستری می شوند. مداوای آنان حدود دوماه به درازا کشیده می شود. گرچه دادستانی اتریش در پی شکایت بیوه قاسملو کیفرخواستی را برای استرداد این دو دیپلمات صادر می کند اما روابط پر سود فیما بین ایران و اتریش و بخصوص شخص کورت والد هایم که پیش تر نیز در مقام دبیرکل سازمان ملل رسوایی های مالی داشته تا کنون مانع از استرداد و صدور حکم شده و این پرونده همچنان درحالت تعلیق قرار دارد. چند ماه بعد محمد صحرارودی با حکم رهبری با درجه سرتیپی و نام جدید شششش "محمد جعفری" به ریاست اداره اطلاعات سپاه که به موازات نیروی قدس از یک سو مرتبط با اداره و ایستگان نظامی ستاد کل و از دیگر سوی مسئول گردآوری اخبار و بولتن سازی برای فرمانده کل سپاه و رؤسای ادارات بود گزیده می شود. کاظمی قمی - سفیر سابق ایران در عراق - یکی از معاونین وی بوده است.

[اینجا](#)

هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران شامل محمد جعفری صحرارودی (رئیس امور کردها در وزارت اطلاعات)، مصطفی آجودی (استاندار کردستان) و امیر منصور بزرگیان از نیروهای ویژه سپاه پاسداران

مافیای حکومت اسلامی در این واقعه سیاسی جنایت نهایت پلیدی و زشت خوئی خود را نشان میدهد و از تمامی طرفنها برای ترور قاسملو و همراهانش بهره جسته و از قدرت و نفوذ خود برای پاک کردن رد و رهایی عواملش بهره می برد. پرونده این جنایت همچنان باز است اگر چه دولت اتریش آنرا در کشوی بایگانی های خود پنهان کرده است. پلیس اتریش در روز 31 تیر ماه 1368 صحرا رودی را تا پای هواپیما بدرقه کرده و او را روانه تهران ساخت. تصور می شود که بزرگیان در تاریخ نهم آذر 1368 اتریش را ترک کرده باشد. (مرکز اسناد - 31)

ناگفته نماند که افشاگری ها و تلاش های پتر پیلز نماینده حزب سبز ها در پارلمان نیز نتوانسته است تاثیر ملموسی بر سیاست اتخاذ شده دولت اتریش بگذارد و کماکان ملزومات اقتصادی و سیاسی سوالات و ناگفته های بسیاری از چگونگی این جنایت و تدارکات آن باقی گذاشته است. گفتنی است که این مقوله مناسبات حسنه سرویس های جاسوسی و اطلاعاتی دو رژیم را در کشور اتریش گویاست و اتریش سیاستی همگانی بر این مصداق با سایر کشورها نیز دارد. رهبران دولت وقت اتریش سرزمینی که شهره آزادی های فردی و دموکراسی و پایبندی به مفاد حقوق بشر است چون به خلوت و سکوت میروند آن کار دیگر می کنند.

روزنامه نگار معروف اتریشی وزارت داخله و سازمان اطلاعاتی اتریش را تنها نهادهای بی آزاری میدانند که دهها واقعه بزرگ پیش روی آنها انجام می پذیرد و ماموران اطلاعاتی و جاسوسی بین المللی از جلوی آنها رژه میروند اما آن ها در کشورشان روی برمی گردانند تا نبینند و هیچگونه واکنشی نیز انجام نمی دهند و علاقه ای نیز برای درگیر شدن در این زمینه بخود نشان نمی دهند.

مورد کشور اتریش تنها یک نمونه و استثناء نیست. بهرام رحمانی نیز در نوشتاری مستند این موضوع را در سوئد به چالش کشیده است.

(اینجا)

تلویزیون سوئد، پنجشنبه شب 19 سپتامبر سال 2002، فیلمی مستندی را تحت عنوان «کماندوهای مرگ»، به نمایش گذاشت. این فیلم توسط خبرنگار سوئدی «اوسکار هدین» تهیه شده بود که نشان می داد، دولت و پلیس مخفی سوئد، از تروریست های اعزامی جمهوری اسلامی به این کشور آگاه بودند، اما هیچ اقدام پیش گیرنده انجام ندادند.

در این فیلم مستند، نشان داده می شود که دولت و پلیس امنیتی سوئد، از فعالیت های جاسوسی و تروریستی جمهوری اسلامی در سوئد، مطلع بودند، اما مصلحت اقتصادی و سیاسی و دیپلماتیک بر این بوده است که چشم خود را بر این واقعیت ببندند و جان و زندگی بسیاری از فعالین سیاسی مقیم سوئد را به خطر بیاندازند.

گفته می شود که در اتریش جاسوسی ممنوع نیست و تنها زمانی مجازات دارد که علیه منافع ملی این کشور باشد. بدین ترتیب جمهوری اسلامی با علم به این موضوع نهایت استفاده برای شناسایی، ترور و جاسوسی علیه پناهندگان سیاسی، فعالین سیاسی و مهاجرین ایرانی را انجام میدهد.

(بهشت جاسوسان)

بهروز سورن

17.12.2016

Sooren001@yahoo.de

:شرح تصاویر

تصور نخست: قاسملو و تصویر محل جنایت

تصویر دوم: انتقال اجساد کشته شدگان

تصویر سوم: پتر پبلز نماینده سبزها در پارلمان که سالها پیگیر حقیقت بود

تصویر چهارم: صحرارودی